

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



نظام تكافل و ضمان اجتماعى در حكومت اسلامى

مؤلفان:

محمد رضا آرام

عضو هيئت علمى گروه علوم سياسى دانشگاه فردوسى مشهد

سيد محمد رضا احمدى طباطبايى

عضو هيئت علمى گروه علوم سياسى دانشگاه امام صادق (عليه السلام)



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: نظام تکافل و ضمان اجتماعی در حکمرانی اسلامی
مؤلفان: دکتر محمد رضا آرام و دکتر سید محمد رضا احمدی طباطبایی
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
صفحه آرا: رضا عبداللهی بجندی
نمایه ساز و ناظر نسخه برداری و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان / چاپ اول: ۱۴۰۵
شمارگان: ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۲۵-۸

برای مشاهده قیمت وارد فروشگاه اینترنتی شوید



فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، بل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه، انتشارات
تلفن: ۰۶۶۹۵۴۶۰۳، تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://isupub.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: آرام، محمد رضا، ۱۳۷۱-
عنوان و نام پدیدآور: نظام تکافل و ضمان اجتماعی در حکمرانی اسلامی / مؤلفان محمد رضا آرام، سید محمد رضا احمدی طباطبایی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۲۴۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۲۵-۸
موضوع: اسلام و مسائل اجتماعی
موضوع: عدالت اجتماعی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع: مسائل اجتماعی -- سیاست دولت
موضوع: اسلام و دولت -- جنبه های اجتماعی
شناسه افزوده: احمدی طباطبایی، سید محمد رضا، ۱۳۴۲-
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
رده بندی کنگره: ۲۳۰ BP رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۶۴۹۳۶۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۵
پیشگفتار.....	۱۷
مقدمه	۲۱
فصل اول: تکافل فردی	۳۳
فصل دوم: تکافل اجتماعی	۵۳
بخش اول: اصول مواجهه با انواع متکدیان براساس نظریه تکافل اجتماعی	۶۳
بخش دوم: آسیب شناسی خیریه ها در پرتوی نظریه تکافل اجتماعی	۱۰۳
بخش سوم: تحلیل سیستمی نقش تعاونی های قرابت محور در تقویت تکافل اجتماعی و تحقق حکمرانی اسلامی	۱۲۳
فصل سوم: ضمان اجتماعی	۱۵۵
نتیجه گیری	۲۰۵
ضمائم	۲۱۱
منابع و مأخذ	۲۲۳
نمایه	۲۳۷

فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۵
پیشگفتار.....	۱۷
مقدمه	۲۱
فصل اول: تکافل فردی	۳۳
مقدمه	۳۳
۱. تکافل فردی ایجابی.....	۳۴
۲. تکافل فردی سلبی.....	۳۸
۲-۱. اظهار نیاز مکروه.....	۳۹
۲-۲. اظهار نیاز جایز.....	۴۷
۲-۳. اظهار نیاز غیرمجاز.....	۴۸
۲-۳-۱. اظهار نیاز در عین بی‌نیازی	۴۸
۲-۳-۲. اظهار نیاز نزد مستکبران و طواغیت.....	۴۹
۳. ارتباط تکافل فردی واجتماعی.....	۵۰
فصل دوم: تکافل اجتماعی	۵۳
مقدمه	۵۳
۱. تعریف تکافل اجتماعی	۵۸
۲. اقسام تکافل اجتماعی	۵۹
۲-۱. تکافل مادی	۶۰
۲-۲. تکافل غیرمادی (معنوی).....	۶۰

بخش اول: اصول مواجهه با انواع متکدیان براساس نظریه تکافل اجتماعی.....	۶۳
مقدمه.....	۶۳
۱. پیشینه مطالعاتی در حوزه تکدیگری.....	۶۵
۲. مفاهیم اصلی.....	۶۷
۲-۱. تکدی.....	۶۷
۲-۱-۱. فقرا، نیازمندان یا مستمندان.....	۶۷
۲-۱-۲. متکدیان سازمان دهنده یا کلاشان.....	۶۸
۲-۱-۳. تکدی‌پیشگان.....	۶۹
۲-۲. صدقه.....	۶۹
۲-۲-۱. تعریف صدقه.....	۶۹
۲-۲-۲. اقسام صدقه.....	۷۰
۲-۲-۳. اولویت‌بندی صدقات.....	۷۱
۲-۳-۱. اولویت‌بندی منابع مالی برای صدقه.....	۷۱
۲-۳-۲. مراتب اولویت‌بندی دریافت‌کنندگان صدقه.....	۷۱
۳. اصول کمک کردن به متکدیان.....	۷۵
۳-۱. اصول عام صدقه دادن به متکدیان.....	۷۵
۳-۱-۱. حرمت طرد و راندن متکدی.....	۷۵
۳-۱-۲. حرمت تحقیر و استخفاف متکدی.....	۷۶
۳-۱-۳. حرمت منت‌گذاری بر متکدی.....	۷۷
۳-۱-۴. حرمت اذیت و آزار متکدی.....	۷۹
۳-۱-۳-۱. عقوبت اذیت و آزار فقیر مؤمن.....	۸۰
۳-۱-۳-۲. شاخص خوار و خفیف کردن متکدی مؤمن.....	۸۲
۳-۱-۵. میزان کمک روزانه به متکدیان واجب‌الانفاق.....	۸۳
۳-۱-۵-۱. کمترین کمک روزانه به متکدیان لازم‌الانفاق.....	۸۳
۳-۱-۵-۲. بیشترین کمک روزانه به متکدیان لازم‌الانفاق.....	۸۳
۳-۲. اصول خاص کمک به متکدیان.....	۸۵

۱-۲-۳. اصول کمک به نیازمندان واقعی (فقرا یا مساکین)	۸۶
۲-۲-۳. اصول کمک به متکدیان مشکوک	۸۷
۳-۲-۱. اصل راب‌رصدقت گذاشتن و درعین حال، کمک اندک کردن	۸۸
۳-۲-۲. خجالت نکشیدن از بخشش اندک	۹۱
۳-۲-۳. دعا برای متکدی در صورت ناراحتی او از کمک اندک	۹۲
۳-۲-۴. حرمت کمک بیشتر از حداقل به متکدیان مشکوک به تکدی‌پیشگی	۹۳
دلیل اول: حرمت تعاون برائتم	۹۳
دلیل دوم: حرمت اکل مال به باطل	۹۴
دلیل سوم: حرمت اغرا به جهل یا اغرا به گناه	۹۵
۳-۲-۳. اصول مواجهه با متکدیان غیر واقعی	۹۶
۳-۲-۳. افراد متکدی نما	۹۷
۳-۲-۳. متکدیان سازمانی	۹۷
یک. کلاشان یا متکدیان سازمان دهنده	۹۷
دو. تکدی‌پیشگان	۹۸
جمع‌بندی	۱۰۰
بخش دوم: آسیب‌شناسی خیریه‌ها در پرتوی نظریه تکافل اجتماعی	۱۰۳
مقدمه	۱۰۳
۱. چهارچوب نظری؛ مبانی انسان‌شناختی نیازها	۱۰۵
۱-۱. حل دائمی نیازها	۱۰۵
۱-۲. حل نیازها در رابطه‌ای همسو	۱۰۶
۱-۳. حل نیازهای حقیقی و سرکوب نیازهای کاذب	۱۰۶
۲. روش‌شناسی	۱۰۷
۳. بازنگری ساختاری و محتوایی نهادهای خیریه در پرتوی نظریه تکافل	۱۰۹
۳-۱. چالش‌های روشی در مدیریت نهادهای خیریه	۱۰۹

- ۱-۱-۳. فقدان هماهنگی و یکپارچگی میان نهادهای خیریه ۱۰۹
 - ۱-۲-۳. تمرکز بر تک تک افراد به جای توجه به شبکه اجتماعی ۱۱۰
 - ۱-۳-۳. کاستی در شفافیت عملکرد ۱۱۰
 - ۱-۴-۳. دشواری های مالی و مدیریت هزینه ۱۱۱
 - ۲-۳. چالش های محتوایی و بنیادین ۱۱۲
 - ۲-۱-۳. عدم تأمین نیازهای غیرمادی ۱۱۳
 - ۲-۲-۳. تأمین ناقص نیازهای مادی ۱۱۳
 - ۲-۳-۳. محرومیت فرد نیکوکار از برکات مستقیم خیررسانی ۱۱۳
 - ۲-۴-۳. تداوم روابط ناعادلانه در توزیع منابع ۱۱۳
 ۴. راهکارهای مناسب برای حل آسیب های نهاد خیریه ۱۱۴
 - ۴-۱. تقویت و احیای نهادهای تکافل اجتماعی ۱۱۴
 - ۴-۲. تحول در کارکرد نهادهای خیریه؛ از واسطه گری صرف به پیوندسازی اجتماعی ۱۱۸
 ۵. جمع بندی آسیب شناسی نهادهای خیریه ۱۱۹
- بخش سوم: تحلیل سیستمی نقش تعاونی های قرابت محور در تقویت تکافل اجتماعی و تحقق حکمرانی اسلامی ۱۲۳**
- مقدمه ۱۲۳
۱. پیشینه مطالعاتی در حوزه تعاونی های قرابت محور ۱۲۸
 ۲. یافته ها و بحث ۱۳۱
 - ۲-۱. جایگاه عنصر قرابت در متون دینی ۱۳۱
 - ۲-۲. جایگاه عنصر قرابت و تعاون های قرابت محور در سیره معصومان (علیهم السلام) ۱۳۸
 - ۲-۳. جایگاه عنصر قرابت و تعاون های قرابت محور در قرآن کریم ۱۴۰
 - ۲-۴. ارتباط عنصر قرابت و تعاون در منظومه آموزه های اسلامی ۱۴۲
 ۳. جمع بندی و گونه شناسی تعاونی های قرابت محور و رقابت محور ۱۴۴
 - ۳-۱. ساختار پیوند میان اعضای تعاونی ۱۴۴
 - ۳-۲. قابلیت شکل گیری کار گروهی و هم افزایی ۱۴۵

۳-۳. گونه‌شناسی منافع در تعاونی‌ها	۱۴۵
۳-۴. گونه‌شناسی نظارت و ضمانت اجرا	۱۴۶
۳-۵. گونه‌شناسی اهداف تعاونی‌ها	۱۴۶
۳-۶. جایگاه تعاونی در تأمین نیازها	۱۴۷
۳-۷. نسبت اعضا با تعاونی	۱۴۸
۳-۸. سنخ مسئولیت‌پذیری اعضا	۱۴۸
۳-۹. ابزارهای حل اختلاف	۱۴۹
۳-۱۰. سنخ یاریگری	۱۴۹
۳-۱۱. میزان نیاز به کنترلگری و نظارت	۱۵۰
۳-۱۲. میزان مانایی	۱۵۱
۳-۱۳. تأثیرگذاری بر تقویت نهادهای دینی و سرمایه اجتماعی	۱۵۱
۳-۱۴. میزان موفقیت مالی	۱۵۱
فصل سوم: ضمان اجتماعی	۱۵۵
مقدمه	۱۵۵
۱. پیشینه بحث ضمان اجتماعی	۱۵۸
۲. اصطلاح‌شناسی	۱۵۹
۲-۱. معسر	۱۵۹
۲-۲. غارمین	۱۶۰
۲-۳. ضمان اجتماعی	۱۶۰
۲-۴. حکومت اسلامی	۱۶۰
۳. ادله ضمان اجتماعی	۱۶۱
۳-۱. ضمان اجتماعی در آیات قرآن کریم	۱۶۱
۳-۲. ضمان اجتماعی در روایات	۱۶۳
۳-۲-۱. روایات عام و مطلق در خصوص ضمان اجتماعی	۱۶۳
۳-۲-۲. روایات خاص و مقید در خصوص ضمان اجتماعی	۱۷۳
۳-۲-۳. ارکان تحقق نظام ضمان اجتماعی	۱۷۴

- یک. رکن سیاسی: استقرار حکومت اسلامی ۱۷۴
- دو. رکن اطلاع‌رسانی: سازوکارهای کشف و پایش نیازهای شهروندان ۱۷۵
- سه. رکن اثباتی: احراز شرایط نیازمندی بر امام جامعه ۱۷۶
- چهار. رکن زمانی: اعطای مهلت و فرصت‌یابی ۱۷۷
- ۳-۲-۲. موانع بهره‌مندی از تسهیلات ضمان اجتماعی ۱۷۸
- یک. محدودیت‌های ناشی از ویژگی‌های متقاضی ۱۷۸
- دو. موانع ناشی از چگونگی مصرف منابع ۱۸۱
۴. منابع تأمین مالی ضمان اجتماعی ۱۸۶
- ۴-۱. منابع حکومتی (بیت المال) ۱۸۷
- ۴-۱-۱. زکات ۱۸۷
- ۴-۱-۲. خمس ۱۸۸
- ۴-۱-۳. درآمد حاصل از اراضی خراجیه ۱۸۸
- ۴-۱-۴. انفال ۱۹۰
- ۴-۲. منابع غیرحکومتی (صدقات و تبرعات مردمی) ۱۹۰
۵. تبیین دینی و معرفتی فلسفه ضمان اجتماعی در حکومت اسلامی ۱۹۲
- ۵-۱. برقراری رابطه اُبوت و بُنوت ۱۹۲
- ۵-۲. برقراری رابطه ولایت و مکنّت ۱۹۵
- ۵-۳. برقراری رابطه غنیمت و غرامت ۱۹۶
۶. کارکردهای ضمان اجتماعی در حکمرانی اسلامی ۱۹۷
- ۶-۱. افزایش سرمایه اجتماعی ۱۹۷
- ۶-۲. افزایش امنیت اقتصادی و روانی جامعه ۱۹۹
۷. جمع‌بندی مسئولیت ضمان اجتماعی در حکومت اسلامی ۲۰۰
- نتیجه‌گیری ۲۰۵
- ضمائم ۲۱۱
- منابع و مأخذ ۲۲۳
- نمایه ۲۳۷

فهرست جدول ها

- جدول (۱): مقایسه تعاونی های قرابت محور با تعاونی های رقابت محور ۱۵۳
- جدول (۲): شرایط و استثنائات بهره مندی بدهکاران از ضمان اجتماعی ۱۸۵
- جدول (۳): مقایسه نظام تأمین اجتماعی و ضمان اجتماعی ۲۰۳
- جدول (۴): خلاصه ای از نظریات تکافل فردی، تکافل اجتماعی و ضمان اجتماعی ۲۰۶

فهرست شکل ها

- شکل (۱): مراتب ظهور و بروز تکافل و ضمان اجتماعی ۲۷
- شکل (۲): روش پژوهش و مراحل آن ۳۱
- شکل (۳): رابطه دوری اظهار نیاز و فقر ۴۵
- شکل (۴): تکافل فردی و اقسام آن ۵۰
- شکل (۵): سلسله مراتب کمربندهای حمایتی - نظارتی برای تأمین تمام نیازهای شهروندان در نظام سیاسی اسلام (نهادهای موضوع تکافل) ۶۱
- شکل (۶): مراتب نیازمندان واقعی ۶۸
- شکل (۷): اقسام صدقه ۷۰
- شکل (۸): هرم اولویت صدقه گیرندگان ۷۵
- شکل (۹): انواع نیازمندان ۸۵
- شکل (۱۰): اصول مواجهه با متکدیان براساس نظریه تکافل اجتماعی ۹۹
- شکل (۱۱): اصول سلبی و ایجابی مواجهه با متکدیان ۱۰۲
- شکل (۱۲): آسیب های شکلی یا روشی خیریه ها ۱۱۱
- شکل (۱۳): آسیب های محتوایی خیریه ها ۱۱۴
- شکل (۱۴): جایگاه نادرست خیریه ها ۱۱۷

- شکل (۱۵): نهادهای فعال در حوزه تکافل و نیکوکاری و جایگاه مطلوب خیریه‌ها در آن‌ها ۱۱۸
- شکل (۱۶): خلاصه‌ای از مهم‌ترین آسیب‌های نهادهای خیریه ۱۲۱
- شکل (۱۷): خلاصه‌ای از مهم‌ترین راهکارهای حل آسیب‌های نهادهای خیریه ۱۲۲
- شکل (۱۸): تبیین سیستمی مسئله پژوهش ۱۳۰
- شکل (۱۹): تلاقی عنصر قرابت با تعاونی‌ها ۱۳۱
- شکل (۲۰): ریشه‌ها و نتایج صله رحم ۱۳۷
- شکل (۲۱): رابطه متقابل تقویت نظامات خویشاوندی و تعاونی‌های قرابت‌محور ۱۴۳
- شکل (۲۲): تبیین سیستمی ورود عنصر قرابت به محیط تعاونی‌ها براساس نظریه تکافل اجتماعی ۱۵۴
- شکل (۲۳): جایگاه تکافل و ضمان اجتماعی در حکمرانی اسلامی ۱۵۷
- شکل (۲۴): طبقه‌بندی طبقات پایین جامعه براساس نامه ۵۳ نهج‌البلاغه ۱۶۶
- شکل (۲۵): منابع تأمین مالی ضمان اجتماعی ۱۹۲
- شکل (۲۶): مبانی معرفتی و فلسفه تشریع مسئولیت ضمان اجتماعی بر حکومت اسلامی ۱۹۷
- شکل (۲۷): نقشه راه تکافل و ضمان اجتماعی در حکمرانی اسلامی ۲۰۸

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.
(قرآن کریم . سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

ازسوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آن ها است. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب

می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» درواقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (ع) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (ع) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

والله الحمد

پژوهشگاه و معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

رویکرد دین اسلام در مسائل مربوط به معیشت و امور رفاهی مردم در جامعه دینی، برطرف کردن نیازهای همه افراد و شهروندان با حفظ کرامت و عزت نفس آنان است. فقر، تبعیض، فاصله طبقاتی گسترده و زیستن اقلیتی در قله رفاه و اکثریتی به دور از امکانات مادی و معیشتی یا پایین تر از خط فقر، با آموزه‌های توحیدی و دینی کاملاً ناسازگار است. اسلام در آموزه‌های اسلامی در کنار بها دادن و حفظ مالکیت خصوصی، اهتمام ویژه‌ای به عدالت و برخورداری اقشار مختلف از رفاه نسبی در جامعه دینی دارد. جامعه اسلامی از منظر مصادر دینی، جامعه‌ای فقرگریز و کرامت محور است. تعالی معنوی افراد در جامعه نیز بدون توجه به این موضوع مهم و حیاتی، ابتر و ناقص خواهد بود. در آموزه‌های اسلامی، سازوکارهای مختلفی برای فقرزدایی و تعامل و تکافل و مشارکت افراد اجتماع در کنار برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری متولیان سیاسی مورد توجه و توصیه قرار گرفته است. در این راستا، می‌توان از تکالیف دینی و سنتی افراد مسلمان در تأدیه خمس و زکات واجب تا زکات باطنی اموال که به مثابه بخشش و واگذاری مازاد یا بخشی از مازاد درآمد به شمار می‌رود و نیز سنت نیکوی وقف برای تداوم و تضمین سیاست‌های فقرزدا و عدالت محور در جامعه اسلامی گرفته تا مسئولیت دستگاه حکمرانی و تکافل و همیاری عمومی در این سیاست‌گذاری و مفصل‌بندی‌های مشارکتی برای

تأمین عدالت اجتماعی یاد کرد.

قرآن مجید یکی از اهداف مهم بعثت انبیا را برپایی عدالت اجتماعی در ابعاد و وجوه مختلف آن لحاظ کرده است و در مورد واگذاری مازاد مکسبات و درآمدها نیز تصریح می‌کند بخشش مقدار اضافی (از اموال) البته با رعایت اعتدال، از وظایف اجتماعی و دینی مردم در جامعه خداپاوار و توحیدمحور است. در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «... ویسئلونک ماذا ینفقون قل العفو...» (بقره/۲۱۹)؛ ای پیامبر! مردم از تو می‌پرسند چه چیزی را انفاق کنیم؟ (در پاسخ) بگو «العفو»... عفو در این فراز به معنای میزان و مقدار اضافی از نیازها یا به بیان دیگر، آن مقداری است که افزون بر هزینه زندگی فرد است؛ البته معنای مطلق بخشش و گذشت هم که برخی مفسران گفته‌اند با برداشت اول قابل جمع است. آیات زیادی در قرآن به این مهم و آثار دنیوی و اخروی انفاق جهت مشارکت در تأمین نیازهای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌برخوردار پرداخته است از جمله خداوند متعال در سوره منافقون می‌فرماید افرادی که در حال گذار و انقطاع از دنیا و ورود به عالم برزخ و جهان بعد از مرگ هستند (به حسرت) می‌گویند: «... پروردگارا! چرا اجل مرا اندکی تأخیر نینداختی تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نکوکاران باشم» (منافقون/۱۰).

البته در آموزه‌های اسلامی، حاکم و والی و دستگاه حکمرانی در درجه نخست، وظیفه اصلی تعمیم عدالت اجتماعی و تولید ثروت و توزیع متناسب و دادگراانه آن را در میان مردم و شهروندان دارد. این وظیفه، وظیفه‌ای قطعی، شرعی و اخلاقی است و کوتاهی و قصور در آن از منظر مصادر دینی با بازخواست‌های اخروی و نابسامانی‌های اجتماعی و دنیوی همراه است. در نظام‌های سیاسی راقی و مدرن امروز، دولت‌ها وظیفه اصلی خود را تولید و توزیع عادلانه ثروت و توجه به منافع عمومی و به تعبیر برخی بزرگان «مصالح نوعیه عمومی» می‌دانند. اگر با دقت و ژرف‌اندیشی به آموزه‌های اسلامی و

گفتار و سیره بزرگان دینی و شخص پیامبر خاتم (ﷺ) و وصی و جانشین او، امیرمؤمنان و متون حدیثی از ائمه اطهار (علیهم السلام) پرداخته شود، این وظیفه و اهتمام در حکمرانی اسلامی به روشنی مشخص خواهد شد و غفلت و انفعال و بی‌عملی و قصور و تقصیر در وظایف محوله افزون بر پیامدها و ناسامانی‌های اجتماعی و نارضایتی‌ها و مشکلات این جهانی، پیامدهای نامطلوب و خطرناک‌ساز اخروی نیز دارد.

در این پژوهش کوشش شده است تا با استناد به مصادر دینی و روایات مأثوره، وظیفه حکمرانی سیاسی در جامعه اسلامی در این ساحت نیز در کنار وظایف عمومی جامعه مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد؛ موضوعی که در کانون پژوهش‌های اسلامی دیگر کمتر مورد مذاقه و تعمق واقع شده است. گفتنی است که یکی از منابع و مصادر مهم اسلامی در تبیین این رویکرد، گفتمان حضرت امیر (علیه السلام) در فرمان‌نامه حکومتی آن حضرت به مالک اشتر نخعی، والی سرزمین مصر است. تحلیل دال مرکزی و دال‌های شناور این گفتمان حکمرانی و منشور حکومت‌داری، ابعاد و ضرورت حمایت والیان و کارگزاران حکومتی و اهتمام آنان به امور معیشتی و رفاهی، مهرورزی و دادپیشگی و برنامه‌ریزی و نظارت پیوسته را به عنوان رسالتی الهی و وظیفه‌ای سیاسی و مدنی به خوبی آشکار می‌سازد.

روایات اسلامی نیز مشحون از سفارش‌ها، توصیه‌های مؤکد و باریک‌بینی‌های اندیشه‌برانگیز در تبیین وظایف حاکم اسلامی در ساحت عدالت اجتماعی است. در این راستا، سیره نبوی و علوی و روایات مأثوره از ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد ضمان اجتماعی دستگاه سیاسی حاکم، از رویکرد متفاوت و متفاضل نظام اسلامی در این حوزه سخن می‌گویند و پرداختن به این احادیث از ویژگی‌های برجسته این پژوهش است. در این اثر پژوهشی با نگاه درون‌دینی، نظریات تکافل فردی، تکافل و ضمان اجتماعی و مسئولیت

دولت اسلامی مورد واکاوی و بازشناسی قرار گرفته و رویکرد دینی این مقوله مهم در ادبیات دینی برجسته شده است. همچنین، سازوکارهای خاص و بومی محور برای تقویت و گسترش تکافل و همیاری‌های اجتماعی مورد مذاقه واقع شده است. مقوله ضمان اجتماعی در حوزه تکافل و مسئولیت متقابل دولت و مردم که در این پژوهش برجسته شده، از دستاوردهای نوآورانه این مطالعه درون دینی و بومی محور است.

سیدمحمد رضا احمدی طباطبایی

مقدمه

دولت‌های مدرن امروزی در حال مبارزه با بحران‌های متعدد، پیچیده و چندبعدی هستند. بحران‌های ناکارآمدی، فقر و بیکاری، حاشیه‌نشینی، ناامنی و بزهکاری، اخلاق و معنویت، طلاق و تنهایی و از همه مهم‌تر، محرومیت و عدالت اجتماعی از جمله این بحران‌ها هستند.

محرومیت کلیدواژه‌ای نسبی، اما بیان‌کننده برخورداری کمتر عده‌ای در برابر عده‌ای دیگر است. یکی از اهداف مهم دولت‌های دنیا، رسیدگی به محرومان و کنترل بحران محرومیت است. محرومان و محرومیت‌ها در قالب‌های گوناگونی بروز و ظهور می‌یابند از جمله محرومیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... این محرومیت‌ها در ارتباطی پیوسته با یکدیگر هستند و بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند؛ به طوری که یکی از اقسام محرومیت بر دیگر اقسام آن اثرگذار است. در جامعه مدرن عموماً مسئولیت محرومیت‌زدایی یا کاهش آن به دوش دولت‌ها گذاشته می‌شود و دولت‌های رفاهی با سازوکارهایی مانند اخذ مالیات و برقراری نظام تأمین اجتماعی سعی در تحقق این هدف دارند.

به رغم گذشت زمان و شکل‌گیری نظریات و ایده‌های جدید در علوم اجتماعی و سیاسی، مسائل و مشکلات بشر امروز نه تنها حل نشده، بلکه این مسائل و بحران‌ها روز به روز پیچیده‌تر شده و مشکلات ساده گذشته، تبدیل به

مسائل و مشکلات پیچیده‌تری شده است. اگر در دوران یونان باستان، مسئله اصلی فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو تحقق عدالت در جامعه و تربیت شهروندان بر اساس فضایل اخلاقی بود، امروز بیش از آن دوران، دنیا و بشریت تشنه عدالت و فضیلت است. اگر دیروز دغدغه اصلی فیلسوفان باستان، تربیت خانواده و ساکنان دولت-شهرها بود، دغدغه فیلسوفان امروز تربیت افراد تنها در خانه و تأسیس «وزارتخانه تنهایی» برای آنهاست. اگر افلاطون از عدالت، قرار داشتن هر چیز در سر جای خود را فهم می‌کرد، امروز مهم‌ترین خواسته بشریت، رضایت دادن به معنای حداقلی از عدالت و توقف نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه و فلسطین است.

مرزبندی میان نظام تأمین اجتماعی در حکومت اسلامی با نظام تأمین اجتماعی در دولت‌های غربی، ضرورتی است که اگر به آن بی‌توجهی شود، حکومت اسلامی را از کارویژه‌های واقعی آن دور خواهد ساخت. اصلاح نظام تأمین اجتماعی و تعیین حدود وظایف و اختیارات دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در میزان سرمایه اجتماعی حکومت اسلامی اثر مستقیم دارد. این مسئله به قدری مهم است که علت اصلی مسلمان شدن بیشتر یهودیان مدینه در حکومت نبوی، نظام تأمین اجتماعی نوینی بود که نبی مکرم اسلام (ﷺ) آن را بازطراحی و اجرا کردند.

بازطراحی نظام تأمین اجتماعی نیازمند بازشناسی نظام نیازهای انسان و اقسام آن است. خدای متعال انسان را موجودی آفریده که همواره با مجموعه‌ای از نیازها روبه‌روست؛ نیازهایی که او را به کوشش وادار می‌کنند تا آن‌ها را برطرف سازد. هرگاه انسان در مسیر تأمین این نیازها با مانعی برخورد کند، می‌توان گفت با «مسئله» مواجه شده است.

در این میان، نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که چه کسی عهده‌دار برطرف کردن این نیازها و مشکلات اوست؟

اصل اولیه در زندگی انسان، مسئولیت پذیری فرد در قبال خویشتن و آن چیزی است که از آن با عنوان «تکافل فردی» یا «خودیاری» یاد می‌کنیم.

دین مبین اسلام با مجموعه‌ای از تعالیم تربیتی و اخلاقی خود می‌کوشد انسانی بسازد بردبار و خویشتن‌دار، منظم و دقیق، هدفمند و اهل برنامه، امیدوار و پرتلاش، استوار و باعزم، اهل محاسبه و آینده‌نگری و عبرت‌پذیر و تجربه‌اندوز؛ انسانی که کارش را با اتقان و دقت انجام می‌دهد. اگر فردی بتواند وجود خود را بر پایه این دستورهای تربیتی شکل دهد، بی‌تردید بخش بزرگی از نیازها و مشکلات خویش را در وهله نخست، خود برطرف خواهد کرد.

در اینجا پرسش دیگری نیز طرح می‌شود و آن اینکه، اگر فرد - به هر علتی - نتوانست در مسیر تکافل فردی موفق شود، چه کسی باید یاری‌رسان او باشد؟ بسیاری از اندیشمندان لیبرال بر این باورند که در چنین وضعیتی، این «دولت» است که باید جای خالی فرد را پر کند و نیازهای او را برطرف سازد. در واقع، در این نگاه، رابطه‌ای دوگانه میان فرد و دولت شکل می‌گیرد؛ اگر فرد از تأمین نیازهای خود بازماند، دولت موظف است ناکارآمدی او را جبران کند. در مقابل، اسلام به عنوان آخرین دین الهی، نگاهی فراگیر و چندلایه به عدالت اجتماعی و پاسخ‌گویی به نیازهای مردم دارد. در این چهارچوب، برآوردن نیازهای اجتماعی نه امری محدود، بلکه تکلیفی عمومی، گسترده و مرضی خداوند دانسته شده است. از دیدگاه اسلام، اگر فردی در تکافل فردی کامیاب نشد، پیش از آنکه دولت به میدان بیاید، نهادهای موضوع تکافل مسئولیت تأمین نیازها و حل مشکلات را به عهده خواهند داشت. خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایگان، دوستان، برادری دینی و در نهایت، نهاد ولایت، مانند حلقه‌هایی در یک زنجیر حمایتی عمل می‌کنند و هریک سهمی در یاری فرد دارند که ما از این نهادها به عنوان نهادهای فعال در حوزه تکافل یاد می‌کنیم. بنابراین، در الگوی اسلامی، مسئولیت محرومیت‌زدایی

پیش از دولت و بیش از آن، برعهده نهادهای پیشادولتی موضوع تکافل مانند خانواده، خویشاوندان، همسایه‌ها و برادران دینی است.

اینجاست که پرسش سومی مطرح می‌شود و آن اینکه، جایگاه نظام سیاسی در میان این نهادها کجاست؟ در اندیشه اسلامی، نظام سیاسی از سویی وظیفه دارد این نهادهای حمایتی را تقویت کند و از سوی دیگر، نقش تکمیلی خود را ایفا کند و مسئولیت برطرف کردن نیازهای کسانی را برعهده گیرد که از چنین پشتوانه‌هایی بی‌بهره‌اند. ما از این مسئولیت دولت با عنوان «ضمان اجتماعی» یاد می‌کنیم.

به این ترتیب، بخش عمده بار حمایت اجتماعی به طور طبیعی بر دوش شبکه‌های مردمی و نهادهای طبیعی جامعه قرار می‌گیرد و دولت تنها وظایف حداقلی و قابل انجام را به دوش می‌کشد؛ وظایفی که به راحتی از عهده آن‌ها برمی‌آید و در نهایت، رضایت نسبی شهروندان را نیز تضمین می‌کند.

چنانچه یکی از این حلقه‌های حمایتی تضعیف یا نابود شود، مسئولیت دولت به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. در چنین وضعی یا دولت از انجام امور بازمی‌ماند و نارضایتی عمومی شکل می‌گیرد یا اگر هم بتواند در ظاهر وظایف خود را انجام دهد، هرگز نمی‌تواند جایگزین کارآمدی برای نهادهای طبیعی جامعه باشد. برخی نیازها به ویژه نیازهای عاطفی و احساسی اساساً از جنس مسائلی نیستند که دولت‌ها قادر به تأمین کامل و بی نقص آن‌ها باشند. افزون بر این، کمک‌های دولت معمولاً در چهارچوبی دیوان سالارانه و غیرشخصی صورت می‌گیرد و بر تفاوت‌های فردی یا نوع نیازهای خاص اشخاص مبتنی نیست.

بر پایه این اصول راهگشا می‌توان به الگویی دست یافت که در آن امکان پاسخ‌گویی به تمام نیازهای شهروندان در فضایی بدون تعارض فراهم می‌شود. حقیقت این است که تنها با اجرای چنین نظامی است که هیچ نیاز

یا مشکلی بی پاسخ نمی ماند و برطرف کردن یک نیاز به ایجاد نیازهای جدید نمی انجامد یا حل یک مشکل، خود زمینه ساز مشکلات دیگر نمی شود.

در این مرحله می توان پرسش های مهم دیگری را نیز مطرح کرد مانند اینکه، آیا با پیدایش دولت های جدید و روند نوسازی جوامع، نهادهایی که در نظریه تکافل نقش محوری دارند، ناگزیر به ضعف نمی روند؟ آیا در روزگار کنونی، اساساً امکان بازآفرینی و احیای این نهادها وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش ها می توان از چند زاویه متفاوت مسئله را بررسی کرد.

نخست، از منظر تحلیل بیرونی باید توجه داشت که نوسازی یا مدرنیته، نهادهای برخاسته از اندیشه و اراده انسان است و هرآنچه دست ساخته بشر باشد، دیر یا زود دچار دگرگونی می شود؛ هرچند ممکن است آغاز این تحول بسیار کند و زمان بر باشد. تاریخ تمدن های بزرگ مؤید این واقعیت است. همان گونه که سلطه و فراگیری مسیحیت در اروپا طی سده های میانه پایدار نماند، برتری و نفوذ نوسازی نیز در حوزه های تحت تأثیر خود موضوعی جاودانه و تغییرناپذیر نخواهد بود. مدرنیته تنها تا زمانی که محبوب و مقبول هوادارانش باشد، «هرآنچه را سخت و استوار می نماید، دود می کند و به هوا می فرستد»، اما هر زمان که مبانی، پیامدها و دستاوردهای آن - مانند تمدن های پیشین - با پرسش ها و چالش های تازه روبه رو شود و الگوهایی رقیب برای ارائه شیوه ای برتر از زندگی پدید آیند یا بازتولید شوند، خود نوسازی نیز به تدریج فرو می نشیند و از صحنه خارج می شود.

از سوی دیگر، در تحلیل درونی نیز می توان به نکته ای بنیادین توجه کرد؛ اگر هدف از نوسازی جوامع را ارتقای سطح زندگی انسان ها - چه از جهت کیفیت و چه از جهت کمیت - یا فراهم سازی مسیر دستیابی آنان به سعادت بدانیم، در این صورت تضعیف یا کنار زدن نهادهایی که انسان به طور طبیعی در آن ها جای می گیرد و گستره وسیعی از نیازهای مادی و معنوی او را پاسخ

می‌دهند، دست کم نوعی فاصله‌گیری از آرمان‌های ادعایی نوسازی به شمار می‌آید. جامعه‌ای که با نام نوسازی، نهادهای طبیعی و دیرپای حمایت از انسان را تضعیف یا بی‌اثر سازد، درحقیقت، از مقصود اصلی خود دور شده است؛ زیرا نبود این نهادها نه به بهبود شرایط زندگی، بلکه به گسستگی و ناتوانی شبکه حمایت اجتماعی منجر می‌شود و همین امر اساس هدف نوسازی و مدرنیته را زیر سؤال می‌برد.

سامان‌دهی پژوهش

بر اساس مقدمه بالا، این کتاب به سه فصل اصلی تکافل فردی، تکافل اجتماعی و ضمان اجتماعی تقسیم شده و ابعاد مختلف هر کدام از این نظریات در حکمرانی اسلامی به بحث گذاشته شده است. در فصل نخست، به ابعاد و مؤلفه‌های تکافل فردی و آثار اجتماعی آن می‌پردازیم.

در فصل دوم، تمرکز اصلی بر کارکردهای تکافل اجتماعی در جامعه و حکمرانی اسلامی است. این فصل به چند بخش تقسیم می‌شود. در بخش نخست از این فصل بر اساس الگوی تکافل اجتماعی، چگونگی مواجهه با انواع متکدیان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش دوم، به آسیب‌شناسی نهادهای خیریه در حکمرانی اسلامی بر اساس نظریه تکافل اجتماعی می‌پردازیم. در بخش سوم از این فصل، الگوی تعاونی‌های قرابت‌محور که برگرفته از نظریه تکافل اجتماعی است، به عنوان الگوی بدیل تعاونی‌های رقابت‌محور در عصر حاضر معرفی می‌شود. در بخش پایانی این فصل، جایگاه نظریه تکافل اجتماعی در عالی‌ترین سطح تحلیل حکمرانی که سطح تحلیل تمدنی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل سوم کتاب به مسئله مهم و مغفول ضمان اجتماعی که بیان‌کننده مسئولیت حکومت اسلامی در رسیدگی به محرومان و بدیلی مناسب برای نظام تأمین اجتماعی در غرب است، اشاره خواهد شد.

گفتنی است با توجه به رویکردهای مختلف در این کتاب ناچاریم که در ابتدای هر بحث، مقدمه‌ای کوتاه در باب توضیح بیشتر آن مبحث و پیشینه آن و روش پاسخ به پرسش‌های هر بخش بیان کنیم.



منبع: (نویسندگان)

شکل (۱): مراتب ظهور و بروز تکافل و ضمان اجتماعی

روش پژوهش و استنباط از آیات و روایات

برای دستیابی به پیشرفت علمی در علوم مختلف اسلامی و فلسفه‌های مضاف مانند سیاست اسلامی، مدیریت اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، اقتصاد اسلامی و مانند آن‌ها، نیازمند بنیان نهادن و توسعه روش‌های پژوهش در این حوزه هستیم. در میان صاحب‌نظران این عرصه، در روش‌شناسی و چگونگی روش پژوهش در علوم سیاسی اسلامی از نظر تجربی یا تلفیقی یا روش‌های درون‌دینی و اجتهادی بودن هنوز ابهامات و چالش‌هایی وجود دارد، اما امروزه روش‌های اجتهادی و مبتنی بر متون دینی (تفسیری و فقه‌الحدیثی) و بهینه‌سازی آن برای علوم انسانی از مقبولیت بیشتری برخوردار است. بسیاری از عالمان علوم انسانی اسلامی معتقدند در صورتی در علوم

انسانی اسلامی به تولید علم می‌رسیم که با روش‌های اجتهادی و دینی به متون و گزاره‌های اسلامی (قرآن و حدیث) مراجعه کنیم. اجتهاد به مثابه فرایند روشی و اعتبار معرفت‌شناختی به فراورده‌های حاصل از آن می‌پردازد. این کتاب در مقام گردآوری داده‌ها از منابع اصلی (آیات و روایات) و تحلیل آموزه‌های دینی از «روش اجتهادی» استفاده کرده است. مشهورترین روش و مبنای تفسیری که در قرون اسلامی همواره در میان اندیشمندان اسلامی معروف بوده، تفسیر اجتهادی است. این نوع تفسیر را می‌توان حد وسط میان دو نوع تفسیر دیگر یعنی تفسیر به رأی (طبقه افراطی) و تفسیر نقلی (طبقه تفریطی) دانست (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۵۷).

با توجه به موضوع کتاب، ماهیت روش مورد استفاده، «کیفی» است. یکی از اقسام روش‌های کیفی، «روش پژوهش اجتهادی» است. اصطلاح اجتهاد از واژه «جد» و «جُهد» اخذ شده است؛ یعنی تلاش پیوسته، کوشیدن، سعی مجدانه و سعی فقیه و متخصص برای کسب ظنی قریب به یقین به حکم شرع. به عبارت دیگر، اجتهاد عبارت است از بذل مجهود در یافتن مقصود از راه استدلال و با اتکا به ادله «Striving». از معادل‌های است که در زبان انگلیسی برای روش اجتهادی موجود است. این واژه به مرور وارد رشته‌های مختلف علمی، دینی، ایدئولوژیکی و... شد. از این رو هنگامی که شیوه اجتهاد و اصول استنباط از حالت طبیعی و بسیط خود به دلایل ضروری و نیازهای اساسی خارج شد و لباس فن و علم پوشید، به اقتضای طبیعت دانش‌های اکتسابی بشر، مسیرها و راه‌های متفاوتی را پیمود و به گونه‌های مختلفی درآمد.

گفتنی است که اجتهاد در اندیشه عامه با اجتهاد در اندیشه شیعه معنایی کاملاً متفاوت دارد. اجتهاد در اندیشه عامه به معنای حکم کردن یا کشف حکم شرعی بر اساس تفکر، رأی، سلیقه و مصلحت‌اندیشی شخصی

شناخته می‌شود که این عملیات به «اجتهاد به رأی» یا «قیاس» مشهور است. در مکتب عامه، هرگاه فقیه در کشف حکم شرعی، هیچ نصی از قرآن و سنت نیافت، می‌تواند براساس تفکر و توان علمی خویش اجتهاد و حکم را به نحو ظنی بیان کند، اما اندیشه شیعه ضمن ردّ معنای اجتهاد به رأی نزد اهل سنت و باطل دانستن قیاس، اجتهاد را به معنای کوشش علمی برای تحصیل ظن به احکام شرعی از راه ادله معتبر شرعی می‌داند.

روش اجتهادی که فعالیتی تفهیمی و اکتشافی شمرده می‌شود، از انواع پژوهش‌های کیفی به شمار می‌آید که در مقام کشف واقعیت عمل می‌کند. این روش، رویکردی مسئله‌محور - نه موضوع‌محور - دارد که از مواجهه پژوهشگر با مشکل علمی و نظری آغاز می‌شود. این روش - برخلاف دیگر پژوهش‌های کیفی - به موضوع مورد بررسی، نگاهی دقیق و «جزئی» دارد، اما از حیث ارتباط موضوع پژوهش با عوامل مؤثر و مداخله‌گر، روشی «چندبعدی» است (خنیفرو مسلمی، ۱۴۰۲: ۲۲۷-۲۴۰).

مراحل اجرای این روش بدین شرح است. ۱. ابتدا همه نصوص مرتبط با مسئله مورد تحقیق احصا می‌شود و سپس از حیث دلالت و سندیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ۲. سپس با دسته‌بندی نصوص به دست آمده، با استفاده از صور منطقی و قیاسی به استدلال می‌پردازیم و در نهایت، به کشف مشروط واقعیت نائل می‌شویم (خنیفرو مسلمی، ۱۴۰۲: ۲۴۱).

البته در این میان برخی اندیشمندان می‌کوشند بین روش‌های هرمنوتیک با روش اجتهادی پیوند برقرار کنند. این متفکران، هرمنوتیک شلایر ماکر، اسکینر یا هرمنوتیک عینی‌گرا را به دلیل نسبی نبودن و مؤلف‌محور بودن مناسبت‌ترو همسوتر با روش اجتهادی می‌دانند (حقیقت، ۱۳۸۸: ۶۹۳). «در هرمنوتیک، شرایط به سمت فهم متن نزول می‌کند و هرچه ورود و درآمد به متن پرمغزتر باشد، هرمنوتیک به اجتهاد مصطلح نزد علمای شیعه نزدیک‌تر خواهد شد.

بنابراین، می‌توان اجتهاد سیاسی را هرمنوتیک پلیتیک دینی تکامل یافته دانست. هرچند این مرحله همچنان که در اجتهاد مطرح است، لزوماً یقین‌آور نباشد، اما خاصیت آن این است که با گشودن دروازه‌ای از فهم متن به سوی درجه‌ای از فهم قابل امتداد است» (جاوید، ۱۳۸۸: ۷۱۶ و ۷۱۷).

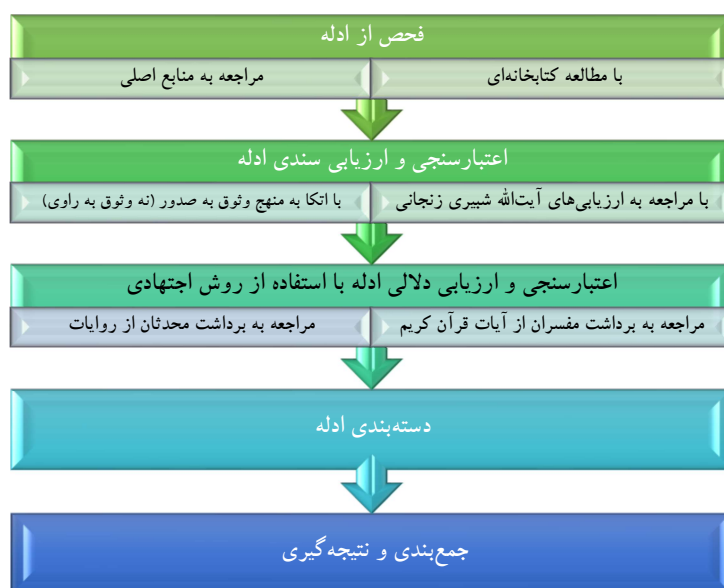
پس از فحص از ادله و گردآوری فیش‌های مرتبط با موضوع تحقیق، جهت حصول به روایی پژوهش، ادله به دست آمده از نظر سندی و دلالتی، با استفاده از نظرات نخبگان این عرصه مورد ارزیابی قرار گرفتند. در ابتدا این ادله از حیث سندی مورد اعتبارسنجی قرار گرفت. مبنای ارزیابی نویسندگان از سند روایات، ارزیابی‌های آیت‌الله شبیری زنجانی (دامت برکاته) از روایات بود که مبنای نرم‌افزار درایة‌النور نیز قرار دارد. در این پژوهش، روایاتی که به طریق صحیح (مطابق دسته‌بندی چهارگانه رایج در میان محدثان متأخر که مبتنی بر ارزیابی سند روایت است) به دست ما رسیده باشند یا محفوف به قرائن باشند، حجت دانسته شده‌اند. براین اساس، روایات ضعیف‌السند - اعم از روایات مرسل، مقطوع و غیر آن - مانند روایات موثق و... می‌تواند معتبر باشد به شرطی که مضمون آن در روایات صحیح‌السند یا محفوف به قرائن ذکر شده باشد. روایاتی که در این پژوهش مورد استناد قرار گرفته است، صحیح‌السند هستند یا مضمون آن‌ها در روایات معتبر و محفوف به قرائن بیان شده و به روایات دارای ضعف سندی از آن‌رو که مضامین آن‌ها مورد تأیید روایات و گزارش‌های تاریخی معتبر دیگر است، استناد شده است.

پس از اعتبارسنجی روایات، ادله به دست آمده از نظر دلالتی مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای ارزیابی دلالتی و تحلیل داده‌ها به کتاب‌ها و مقالاتی که در خصوص داده‌های اصلی این پژوهش تحلیل و تبیین ارائه داده‌اند و برداشت خبرگان در حوزه قرآن و حدیث از آیات و روایات استخراج شده نیز مراجعه شده است. همچنین، میزان دلالت هر کدام از ادله بر مدعای اصلی پژوهش

مورد مذاقه قرار گرفته است.

در گام بعد، ادله حاصله براساس موضوع و پرسش های پژوهش مورد «دسته بندی» قرار گرفت. در ابتدا دسته ای از آیات و روایات که به حدود و ثغور تکافل و ضمان اجتماعی اشاره داشتند، جمع آوری و دسته بندی شد. در ادامه، ادله ای که مربوط به تکافل و ضمان اجتماعی در گفتار و کردار نبی مکرم اسلام (ﷺ) و ائمه اطهار (علیهم السلام) بود، گردآوری و دسته بندی شد.

در پایان پژوهش، براساس داده های استخراج شده در مراحل پیشین و دسته بندی های انجام گرفته، به جمع بندی جایگاه تکافل و ضمان اجتماعی در حکمرانی اسلامی پرداخته شد و وضع موجود مورد بازشناسی انتقادی قرار گرفت.



منبع: (نویسندگان)

شکل (۲): روش پژوهش و مراحل آن

فصل اول:

تکافل فردی

مقدمه

واژه «تکافل» از ماده لغوی «کفل» اخذ شده است. این ماده دلالت بر آن دارد که امری، ضامن و متعهد امر دیگری شود. مفهوم اصلی «کفل» به عنوان ریشه تکافل، عبارت است از دادن تعهد برای تأمین معاش و نیازهای روزمره شخص (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ۹۶). تکافل یکی از اشتقاقیات این ماده شمرده می شود. عبارت «تکافل القوم» براین معنا دلالت دارد که گروهی با یکدیگر به صورت مشترک زندگی و همیاری کردند و برخی از آنان متکفل امور برخی دیگر شدند. هرگاه اعضای جامعه با همدیگر تکافل کنند، به قدرتی استوار و شکست ناپذیر تبدیل خواهند شد (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۵۰).

تکافل فردی را می توان به نوعی هم ارز با مفهوم خودیاری قلمداد کرد؛ البته با توجه به اینکه دلالت ذاتی واژه تکافل بر مشارکت و تعاون میان جمعی از افراد استوار است، کاربرد آن در این مورد با اغماض صورت گرفته و عبارت دقیق تر برای بیان این مقصود، «کفالت فردی» است.

«سید قطب» (بی تا) در کتاب العدالة الاجتماعية فی الاسلام، هنگامی که

اقسام گوناگون تکافل را برمی‌شمارد، یکی از این اقسام را «تکافل فردی» می‌نامد. به این معنا که هر فرد با برخورداری از تربیتی صحیح براساس آموزه‌های اسلامی، متکفل برطرف کردن نیازهای شخصی خود می‌شود. مقصود سید قطب از تکافل فردی، مفهومی کلی و در کمترین سطح لازم است که ضروری است آن را به عنوان راهکار اولیه اسلام در تأمین نیازهای اشخاص، از ابعاد مختلف مورد تحلیل و بسط قرار داد. تکافل فردی را می‌توان به دو قسم سلبی و ایجابی تقسیم کرد.

۱. تکافل فردی ایجابی

در تکافل فردی ایجابی، اسلام با آزادسازی وجدان انسان از ترس (مرگ، فقر و ذلت) و وابستگی به غیر خدا، زمینه را برای مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی فراهم می‌کند. این آزادی وجدانی، پایه‌ای برای تکافل فردی است؛ زیرا فرد را به سمت مشارکت در امور جامعه سوق می‌دهد.

انسان مسلمان باور دارد که خداوند خالق برتر از مخلوقین و خداوند رازق^۱ برتر از مرزوقین^۲ است و این خدا برای او کافی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۴۸). از این رو چنین فردی نه از اعطای صدقات می‌ترسد که فقیر شود و نه از آبرو گذاشتن برای مؤمنان می‌ترسد که بی‌آبرو شود؛ زیرا باور دارد خزائن و میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست (آل عمران/ ۱۸۰؛ حدید/ ۱۰). عکس ماجرا نیز صادق است؛ مسلمان واقعی هیچ‌گاه از نبخشیدن دیگران و کمک نرساندن ایشان بیمناک نمی‌شود و اتکای او به خداوند متعال است (هود/ ۳۰).

مؤلفه‌های زیر، چهارچوبی فراگیر از بحث تکافل فردی ایجابی در ارتباط با ویژگی‌های انسان مسلمان را ترسیم می‌کنند.

۱. روزی رسان

۲. روزی خورها

اول: توانمندترین فرد در برآوردن نیازها و حل مسائل قابل حل به شایسته‌ترین شکل ممکن: در این مؤلفه می‌توان به توصیه‌های اسلام در باب تلاش و کوشش پیگیر، مشورت با دیگران و کار گروهی، بهره‌گیری از تدبیر و برنامه‌ریزی اشاره کرد. هر فرد باید در بالاترین سطح ممکن، فضایل اخلاقی‌ای مانند راست‌گویی و وفاداری به پیمان را که ذاتاً قابل واگذاری به دیگری نیستند، به دست آورد.

دوم: مقاوم‌ترین فرد در مقابل مسائل حل‌نشده: برای مثال، تأکید اسلام بر فضیلت امیدواری و قلمداد کردن یأس و ناامیدی به عنوان گناه کبیره، سبب پرورش افرادی می‌شود که در مواجهه با دشواری‌ها، استقامت و پایداری خود را حفظ می‌کنند. امام صادق (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْكَبَائِرِ الْيَأْسَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۷۸)؛ بی‌تردید ناامیدی از رحمت الهی و یاری او در سختی‌ها، یکی از گناهان کبیره است. انسان‌ها به میزان آشنایی بیشتر با نظام علت و معلولی^۱ جهان و آگاهی از علت‌العلل هستی، هیچ شرایطی را بن‌بست و عبورناپذیر نمی‌پندارند.

سوم: کم‌زیان‌ترین فرد در فرایند برآوردن نیازها و حل مشکلات خویش: مقصود آن است که برطرف کردن نیاز یا حل مسئله، در گام نخست منجر به ایجاد آسیب^۲ یا زیان تازه‌ای برای خود فرد و در گام بعدی موجب بروز مشکلات جدید برای دیگران نشود. توصیه‌های اسلام مبتنی بر تأمین نیازها از مسیرهای درست و در راستای هدف نهایی، از وارد آمدن آسیب به خود جلوگیری می‌کند.

برای مثال، اسلام راه برآوردن نیاز جنسی را ازدواج می‌داند درحالی‌که

1. Cause and Effect

۲. آسیب یعنی استفاده از یک چیز برخلاف هدف غایی آن.